

○ علی عنایتی شبکلابی

پژوهشگر علوم سیاسی

آرمان‌های مشترک و تشکیلات منظم و متکی به پشتیبانی (آرای) مردم هستند که برای به دست گرفتن قدرت یا شرکت در آن از همه منابع، روش‌ها و ابزارهای قانونی استفاده می‌کنند.»

برای اینکه ویژگی‌های حزب سیاسی روشن شود و تفاوت آنها با دیگر تشکلات سیاسی و اجتماعی مشخص شود، پژوهشگران چند شرط را به عنوان صفات ممیزه حزب سیاسی برمی‌شمرند:

نخست آن که حزب مستلزم وجود سازمان و تشکیلات پایداری است که حیات سیاسی آن از حیات بنیانگذاران آن پایدارتر باشد.

دوم آنکه تشکیلات حزبی دارای سازمانی مستقر در یک محل همراه با زیر مجموعه‌هایی باشد که در سطح ملی فعالیت داشته و با یکدیگر روابط منظم و متقابل داشته باشند.

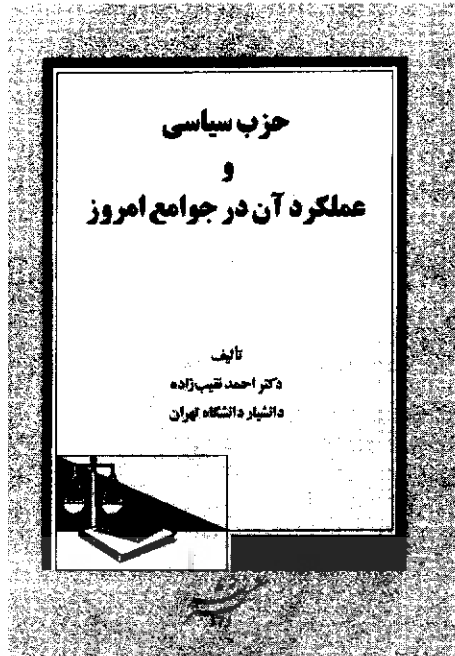
سوم آنکه اراده رهبران ملی و محلی سازمان حزبی برکسب قدرت استوار باشد و نه بر اعمال نفوذ.

چهارم آنکه حزب باید در پی کسب حمایت عمومی به ویژه از طریق انتخابات باشد.^۲ علاوه بر چهار ویژگی یادشده، داشتن ایدئولوژی مشترک و قانونی بودن از دیگر ویژگی‌های حزب سیاسی است.

در مورد جایگاه و نقش احزاب نیز همانند ماهیت تعریف آن، نظرات گوناگون و گاه متضادی ابراز می‌شود. «موریس دوورژه» احزاب سیاسی را از ضروریات دموکراسی جوامع انسانی در عصر حاضر می‌داند. زیرا به عقیده او توسعه و گسترش احزاب سیاسی تغییرات و دگرگونی‌های شدیدی در روابط بین نهادها و موسسات اجتماعی ایجاد کرده است. «دورژه» معتقد است امروزه پژوهش در ترکیب حکومت‌ها میسر نیست مگر آنکه تغییراتی که در احزاب سیاسی پیش می‌آید مورد کاوش قرار گیرد. در مقابل، «استروگورسکی» به عنوان نخستین کسی که درباره احزاب سیاسی در اروپا مطالعه جامعی کرده، سرانجام به این نتیجه می‌رسد که مرگ بر حزب و زنده‌باد جامعه.^۳ این مواضع و داورها نسبت به احزاب سیاسی همچنان ادامه یافت. به گونه‌ای که برخی محققان و اندیشمندان، احزاب می‌دانند و برخی دیگر، چنین اعتقادی ندارند و پیداست آنها که حزب را لازمه وجود حیات سیاسی در جوامع به حساب می‌آورند در شرایط امروزی جهان، ناتوان از اثبات نظریه خویش هستند، چرا که در بیشتر نقاط آسیای امروزی حزب نیست و اگر هست مانند حزب بعث سوریه و عراق است، اما چگونه می‌توان تفکر و حتی فعالیت سیاسی را در این جوامع انکار نمود؟

مروری بر کتاب

دکتر احمد نقیب‌زاده، دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران، کتاب حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز را با این نگرش نوشته است تا تحلیلی جامعه‌شناختی از آن ارائه دهد، نه اینکه صرفاً به داورها در مورد این پدیده بنشیند. در این کتاب ابتدا زمینه‌ها و پیشینه شکل‌گیری احزاب و نظریه‌های گوناگونی که در این باره وجود دارد، مطرح شده است. سپس مؤلف با نگرشی جامعه‌شناختی به انواع حزب، نظام‌ها و خانواده‌های بزرگ حزبی معاصر



○ حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز

○ احمد نقیب‌زاده

○ نشر دادگستر

○ ۱۳۷۸، ۱۹۲ صفحه

مقدمه

حزب به معنی تشکیلات سیاسی که بسیج و تشکیل بخشی افراد جامعه را پیرامون یک برنامه سیاسی، یک جهان‌بینی و یا یک ایدئولوژی، موضوع فعالیت خود کرده باشد و بیانگر علایق و منافع گروه‌ها، طبقات و قشرها باشد، در اروپا تحت عنوان پارتی (انگلیسی Party، فرانسوی Parti، ایتالیایی Partito، آلمانی Partei) مصطلح شده و از (parspartis) لاتین مشتق شده است. تعریف‌های گوناگونی از حزب سیاسی به عمل آمده که دو نمونه از آن ذکر می‌شود:^۲

- حزب سیاسی مرکب از گروهی از شهروندان کم و بیش سازمان یافته است که به عنوان یک واحد سیاسی عمل می‌کنند و با استفاده از حق رأی خود می‌خواهند بر حکومت تسلط پیدا کنند و سیاست‌های عمومی خود را عملی سازند. (Gettel, ۱۹۷۴.P.۲۸۹)

- گروه سازمان یافته شهروندانی است که دارای نظریات سیاسی مشترک‌اند و با عمل به مثابه یک واحد سیاسی می‌کوشند بر حکومت تسلط یابند. هدف اصلی یک حزب این است که عقاید و سیاست‌های خود را در سطح سیاسی رواج دهد. (Gilchrist, ۱۹۳۸, p.۳۲۷).

اگر بخواهیم با استفاده از تعریف‌های یاد شده تعریفی جامع‌تر ارائه کنیم، می‌توانیم حزب سیاسی را این‌گونه تعریف کنیم: «حزب سیاسی گروهی از شهروندان با

جامعه‌شناسی

احزاب

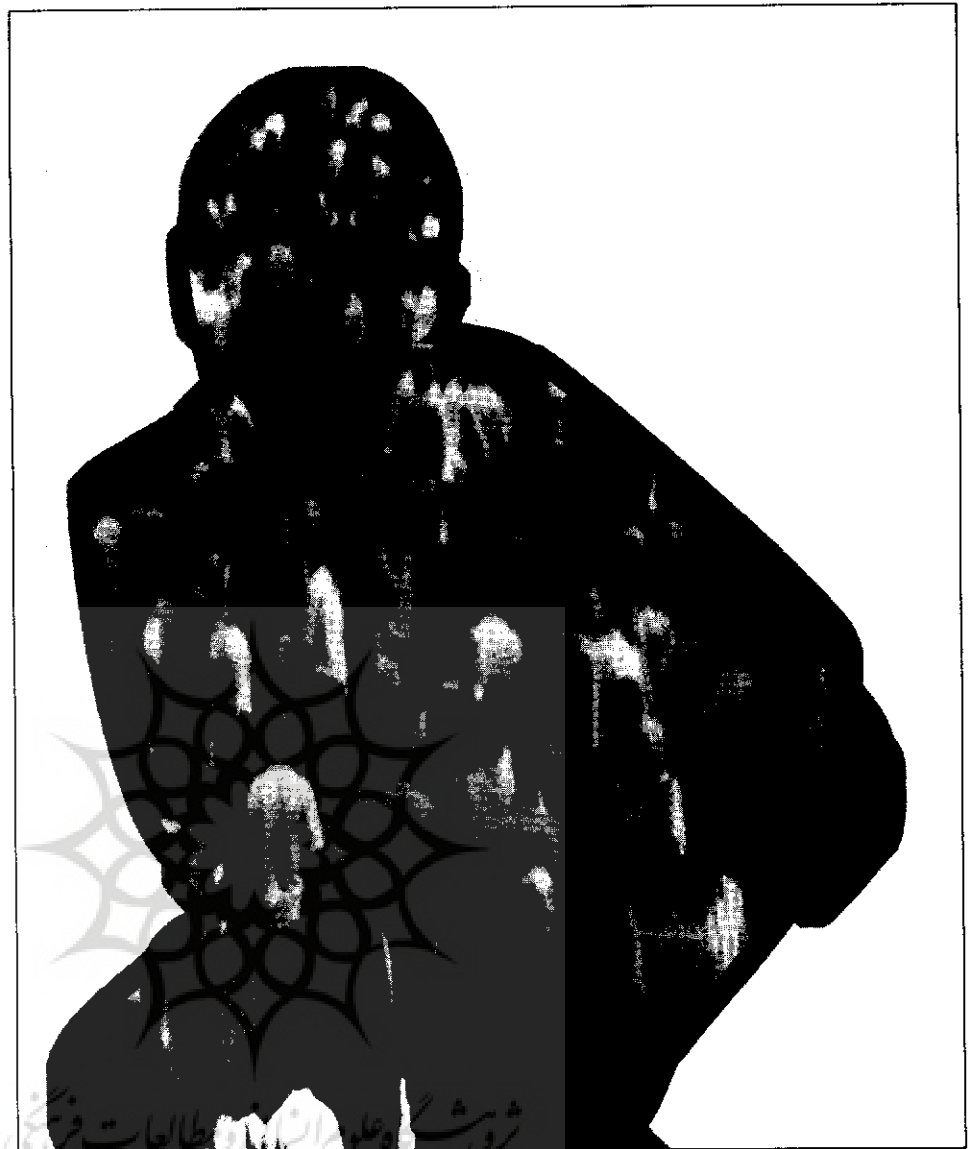
توسعه سیاسی» تألیف «لاپالمبارا» (Lapalombara) و واینر (Weiner) مراجعه می‌کند و از قول آنها می‌نویسد: سه برداشت اساسی در مورد پیدایش احزاب وجود دارد. یکی برداشت نهادی که کسانی مانند «دوورژه» و «وبر» به آن پرداخته‌اند و بر پایه آن حزب یا توسعه «پارلمنتاریسم» و گسترش رای همگانی رابطه نزدیکی پیدا می‌کند. دیگری برداشت تاریخی - نزاعی که احزاب را شکل تلطیف یافته نزاع‌هایی می‌داند که در تاریخ اروپا وجود داشته است. لیپست و رکان از هواداران این نگرش هستند. در برداشت سوم از زاویه توسعه‌گرایی و گذار از سنت به تجدد به حزب نگریسته می‌شود. این گذار ممکن است به سه بحران مشروعیت، ادغام و مشارکت دامن یزند. هریک از این سه بحران با تحول فرهنگی نیز هم‌آواست و حل آنها ممکن است با پیدایش حزب یا احزابی قرین گردد. در اینجا گاهی احزاب، محصول توسعه و گاه عامل آن محسوب می‌شوند. این دیدگاه مورد توجه اغلب نظریه‌پردازان توسعه سیاسی از قبیل پای (Pay)، پاول (Powell)، آلموند (Almond)، وهانتینگتن (Huntington) بوده است.

در انتهای فصل اول، مؤلف به تاریخ عینی شکل‌گیری و رشد احزاب می‌پردازد و فضای تولد و روند پیدایش احزاب سیاسی در اروپا و آمریکا را ترسیم می‌کند. او در بیان فضای تولد احزاب سیاسی می‌نویسد: احزاب سیاسی در فضایی مشحون از بدبینی و شک و تردید یا به عرصه وجود گذاشتند. این وضعیت دو دلیل عمده داشت یکی عملکرد گروه‌هایی که در گذشته در پی کسب سود یا قدرت، دست به آشوب می‌زدند و به نام حزب شناخته می‌شدند. دلیل دیگر که بیشتر جنبه فلسفی داشت به نگرش کلاسیک از سیاست مربوط می‌شد (صفحه ۲۷) در توضیح این نکته نویسنده ادامه می‌دهد: در دوره‌ای که دولت‌های ملی در حالت دولت‌سازی (State building) و ملت‌سازی (Nation building) قرار داشتند و نگرش قراردادی مانند آنچه هابز، لاک و حتی روسو القا می‌کردند، بر تعاریف سیاسی سیطره داشت، ملت، کل واحد و تجزیه‌ناپذیری تصور می‌شد که در مقابل بیگانگان از یکپارچگی برخوردار است. در این حالت، احزاب، معرف شکاف و گسیخت و منازعه بودند و امری نامطلوب و تفرقه‌افکن و مغایر با منافع عمومی و اداره همگانی تلقی می‌شدند. ادموند برک (Edmond Burke)، دانتون، روبسییر، جان آدامز و مدیسون از رهبران و نظریه‌پردازان انقلاب‌های فرانسه و آمریکا همه از مخالفان زندگی حزبی و مبارزات حزبی بودند. (صفحه ۲۷)

مؤلف در فصل دوم، ساختار و جامعه‌شناسی حزب را مورد بررسی قرار داده است. این فصل با طرح و بررسی گونه‌شناسی احزاب از نظر مورس دوورژه و ژرژ بوردو آغاز می‌شود. به نظر دوورژه احزاب را بر سه مبنای می‌توان تقسیم‌بندی نمود:

۱- تقسیم‌بندی براساس ریشه آنها، شامل:
- حزب انتخاباتی (پارلمانی): این نوع احزاب باتوجه به تلفیق گروه‌های پارلمانی و کمیته‌های انتخاباتی شکل گرفتند.

- حزب خارجی: احزابی که خارج از پارلمان به وجود آمدند و هسته‌های اولیه آنها را گروه‌های صنفی، سندیکاها



تجربه احزاب در جوامع صنعتی، جهان سوم و ایران و ساختار درونی احزاب نظر افکنده است.

در فصل اول با عنوان پیدایش و سیر تکوینی احزاب سیاسی، مؤلف ابتدا با مروری بر ادبیات مربوط به احزاب سیاسی، تعاریف مختلفی از این مفهوم ارائه می‌کند. در بحثی با عنوان «پیش‌بایسته‌های شکل‌گیری حزب» مؤلف به متغیرهایی چون نظام دموکراتیک، وجود قوانین و راهکارهای حقوقی، افزایش سطح فرهنگ و آموزش مردم، فراهم بودن زمینه رشد و توسعه اقتصادی و رقابت آزاد اشاره می‌کند. (صفحه‌های ۲۰-۱۹)

نویسنده همچنین از قول «ریمن آرون» اندیشمند فرانسوی، نقل می‌کند که دولت‌های چند حزبی به لحاظ ایدئولوژی «لاییک» هستند. بدین ترتیب علاوه بر متغیرهای یاد شده، گیتی‌گرایی (لایسیسته) از پیش شرط‌های حزب است. پس از بیان این نکته، مؤلف اظهار امیدواری می‌کند که نظام جمهوری اسلامی ثابت کند که شرط آخر (گیتی‌گرایی)، برای شکل‌گیری احزاب سیاسی، ضرورت ندارد و در یک نظام مذهبی نیز تکثرگرایی و تعدد احزاب امکان‌پذیر است. (صفحه ۲۰)
در بحث مربوط به نظریه‌های مختلف در مورد پیدایش احزاب جدید مؤلف، به کتاب «احزاب سیاسی و

در این کتاب، مؤلف با نگرشی جامعه‌شناختی، پیشینه شکل‌گیری احزاب، نظریه‌های مختلف در مورد کارکرد احزاب و نظام‌های حزبی، ساختار درونی احزاب، خانواده‌های بزرگ حزبی معاصر و تجربه احزاب در جوامع صنعتی، جهان سوم و ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد

متغیرهایی چون نظام دموکراتیک، وجود قوانین و راهکارهای حقوقی، افزایش سطح فرهنگ و آموزش مردم، فراهم بودن زمینه رشد و توسعه اقتصادی و رقابت آزاد، از پیش‌بایسته‌های شکل‌گیری احزاب است

و باشگاه‌ها تشکیل می‌دادند.

۲- تقسیم‌بندی براساس نحوه عضویت در حزب:
- احزاب مستقیم: احزابی هستند که عضویت افراد در آنها به گونه‌ای مستقیم صورت می‌گیرد.
- احزاب غیرمستقیم: احزابی که عضویت در آنها از طریق عضویت در تشکلهای دیگر مثل سندیکاها صورت می‌گیرد.

۳- تقسیم‌بندی ساختاری: احزاب کادر (سخت): احزابی که برخاسته از گروه‌های پارلمانی بودند و در آن نخبگان (اعیان و اشراف) در کمیته‌های محلی گرد می‌آمدند و از پذیرفتن اعضای بی‌بضاعت (مردم عادی) امتناع داشتند.

احزاب توده‌ای (نرم): احزاب توده‌ای بر جذب هرچه بیشتر اعضا تکیه دارند.

براساس ساختار احزاب و شیوه پذیرش اعضا باید گفت: احزاب محافظه‌کار و لیبرال از نوع احزاب کادر و احزاب چپ سوسیالیست و کمونیست و حزب راست فاشیست مهمترین نوع احزاب توده‌ای بودند.

نویسنده در نقد گونه‌شناسی دوورژه به نقل از آرون ویلداوسکی (Aron Wildavski) این تقسیم‌بندی را متضمن چهار توهم می‌داند. (صفحه ۴۲):

۱- توهم ناشی از تک بعدی پنداشتن تاریخ بر پایه تاریخ اروپا و باور به تکامل‌گرایی (از بین رفتن احزاب کادر و گسترش احزاب توده‌ای).

۲- توهم اسرارآمیز ناشی از تصورات خرافی خود نویسنده مبنی بر اینکه همه چیز به صورت جفت آفریده شده است (سیاه و سفید: استدلالی که در مورد تأیید نظام‌های دوحزبی می‌آورد).

۳- توهم ناشی از توجه به صورت و عدم توجه به محتوا یا آن طور که «مرتن» می‌گوید کارویژه‌های پنهان.

۴- توهم ناشی از قیاس مع‌الفارق و قرار دادن قضایا در خارج از قرائن مربوط به آنها. انتقادات ویلداوسکی ناظر بر واقعیاتی است که از چشم دوورژه پنهان مانده‌اند.

ژرژ بوردو، سیاست‌شناس فرانسوی نیز در تقسیم‌بندی خود، احزاب را به دو گونه ایدئولوژیک و روشی تقسیم می‌کند. ویژگی‌های احزاب روشی عبارتند از: دربرگرفتن افراد ممتاز، تعلق به دولت‌های لیبرال، اصلاح‌طلبی، ضعف سازمانی و اهمیت نقش شخصیت‌ها. در مقابل، احزاب ایدئولوژیک دارای این ویژگی‌ها هستند: اول بی‌توجهی به فرد و برعکس تعلق خاطر به یک خط فکری خاص به عنوان دکتترین که تضمین‌کننده وحدت آنها باشد. دوم انحصار اجتماعی، به این معنا که مخاطب آنها یک طبقه یا گروه خاص است نه همه مردم. این حالت، گرایش تمام‌تخواهی آنان را نیز نشان می‌دهد، زیرا فقط به یک حقیقت یعنی همان ایدئولوژی خود باور دارند. سوم، فقدان دموکراسی و حالت قدرت‌طلبی آنها و نقش تعیین‌کنندگی رهبران در این گونه احزاب. چهارم مهار تمام مکانیسم‌های دولتی به گاه رسیدن به قدرت. (صفحه ۴۳).

فرق این گونه‌شناسی با گونه‌شناسی «دوورژه» بیشتر به تأکید آن بر عامل ایدئولوژی مربوط می‌شود. وگرنه احزاب روشی با احزاب کادر و احزاب ایدئولوژیک با احزاب توده‌ای دوورژه قابل انطباق هستند.

به عقیده نویسنده احزاب در جوامع مختلف و

دوره‌های مختلف بوجود می‌آیند و طبعاً تحت تأثیر مکان و زمان پیدایش قرار می‌گیرند. براین اساس نمی‌توان گونه‌شناسی ثابتی از احزاب ارائه نمود. به ویژه وقتی موضوع مربوط به کشورهای جهان سوم باشد متغیرهای گوناگونی چون تنوع قومی، ساختار اجتماعی، وضعیت فرهنگی و غیره در شکل‌گیری گونه‌های مختلف احزاب سیاسی مؤثر خواهند بود.

پس از بحث ساختار، مؤلف به موضوع جامعه‌شناسی حزب می‌پردازد و این پرسش را مطرح می‌کند که افراد بر پایه چه انگیزه‌های دست به ایجاد حزب می‌زنند؟ به عبارت دیگر مایه همبستگی حزبی چیست؟ در پاسخ به این پرسش سه عامل طبقه (پایگاه طبقاتی)، ایدئولوژی و سازمان را از جمله عوامل همبستگی حزبی نام می‌برد. (صفحه‌های ۴۸-۴۴).

اعضاء و وضعیت آنها در سازمان حزب و سلسله مراتب حزبی و مسایل مالی حزب و راههای تأمین آن از دیگر موضوعاتی است که مؤلف با ذکر برخی مثال‌ها از احزاب اروپایی سعی در تبیین و تحلیل آنها دارد. یکی از بحث‌های خواندنی این فصل، فرآیند دگرگونی‌های اجتماعی و روانی در درون احزاب است که در این قسمت مؤلف به بررسی نظریه‌های پاره‌تو (گردش نخبگان) میخلز (قانون آهنین الیگارش) و استروگورسکی (خود محور شدن حزب) می‌پردازد که بنا به اهمیت موضوع به

گزیده‌ای از آنها در ادامه اشاره می‌کنیم. ویلفردو پاره‌تو جامعه‌شناس ایتالیایی، همه جوامع را به دو طبقه یا قشر تقسیم می‌کند: قشر برتر و قشر فروتر. قشر برتر نیز خود به دو دسته تقسیم می‌شود: قشر حکومت‌کننده و قشر غیر حکومتگر. از نظر وی طبقه برتر و مسلط شامل تمامی کسانی می‌شود که در شغل خود در مرتبه عالی قرار دارند. در یک سازمان سیاسی نیز کسانی که بتوانند بیشترین میزان قدرت را برای طولانی‌ترین مدت، احراز کنند، جزء نخبگان سیاسی محسوب می‌شوند. و این نخبگان اگر درهای سازمان را به روی نخبگان جدید باز بگذارند، گردش به طور طبیعی و آزادانه صورت می‌گیرد. (گردش نخبگان). و یا نخبگان جدید با مکر خود موفق می‌شوند قدرت طبقه فروتر را بسیج کرده و نخبگان موجود را سرنگون سازند. (نظریه انقلاب پاره‌تو)

برت میخلز نیز با مطالعه در مورد حزب سیاسی، قانون آهنین الیگارش را مطرح کرد. براساس این قانون درون سازمان‌ها (از جمله احزاب) عده‌ای از افراد به رتق و فتق امور می‌پردازند و در کار خود مهارت پیدا می‌کنند. پس از افزایش توانایی‌های آنها، مردم برای آنها احترام ویژه‌ای قایل می‌شوند.

در نتیجه تکریم مردم، این افراد دچار نوعی احساس برتری و غرور نسبت به توده‌ها می‌شوند و چون توده‌ها خود را قادر به مدیریت امور نمی‌بینند، به آسانی زمام امور خود را به آنها می‌سپارند. تقسیم کار، تخصصی شدن فعالیت‌ها و نیز چارچوب‌های عینی و قانونی، فاصله میان آنها را بیشتر می‌کند. پس از اندکی افرادی که قرار بود کارهای عادی سازمان را انجام دهند به رهبران سازمان تبدیل می‌شوند تا بدانجا که حتی حزب هم به نام آنها شناخته می‌شود.

در مورد خود محور شدن حزب، استروگورسکی معتقد است به محض پیدایش یک سازمان حزبی قواعدی

خارج از اراده افراد بر آن حاکم می‌شود و پس از اندک زمانی این سازمان به موجودی مستقل تبدیل می‌شود که گویی هدف آن مانند تمام موجودات زنده صیانت نفس خواهد بود. اهمیت فزاینده سازمان جایگاه ممتازی به سازمان‌دهندگان حزب بخشیده و تضمین همبستگی و احراز موفقیت به هر طریق و به هر قیمت، به صورت مشغله اساسی حزب در می‌آید. اما برخلاف نظر میخلز، این رهبران نیستند که برای همیشه حزب را به خود وابسته می‌سازند بلکه ماشین حزب به تدریج قدرتمند شده و حتی قادر خواهد بود بوجودآورندگان خود را نیز از بین ببرد. یکسان‌پنداری (conformism) و پاک آیینی (Orthodoxie) چنان بر حزب مسلط می‌شود که فرد حزبی هیچ اراده‌ای از خود نخواهد داشت، زیرا هرگونه دگراندیشی به حال وحدت گروهی مضر تلقی می‌شود. در این صورت حزب خود را مظهر شهروندی و بهروزی می‌داند و همسویی با باورهای حزب تنها قاعده رفتار سیاسی محسوب می‌شود. تأثیر مکانیکی حزب، فقط بر اعضای خود محدود نمی‌شود، بلکه تمام جامعه را متأثر ساخته و همه چیز را به ابتذال می‌کشد. اندیشه منافع عمومی، برتری پارلمان و مانند اینها تابع عملکرد و منافع حزب می‌شوند. زیرا سازمانی که باید به بسیج افکار و اراده‌ها بپردازد و در خدمت تعمیق دموکراسی باشد، خود به هدف تبدیل می‌شود و در هدفش، جز رشد و تقویت خود را دنبال نمی‌کند. به این سبب استروگورسکی معتقد است برای نجات دموکراسی باید احزاب را متحل و به جای آنها اتحادیه‌های موقتی و تخصصی بوجود آورد تا بعد از انجام وظیفه خود از بین بروند.

کارویژه‌های احزاب موضوع فصل سوم کتاب است. در این فصل، کارویژه‌های عام احزاب در دو دسته کارویژه‌های انتخابیاتی (شکل دادن به افکار عمومی، گزینش نامزدها و ترتیب و تنسيق کار انتخاب‌شدگان) و کارویژه‌های آموزشی (اطلاع‌رسانی، آموزش نظری و عملی توده‌ها و مشارکت سیاسی و ادغام اجتماعی) مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش نظریه‌های مختلف در مورد کارکرد احزاب، نویسنده به نظریه‌های گابریل آلموند (G. Almond)، پیتر مرکل (Peter merkle)، رابرت کینگ مرتن (Robert King Merton) و ژرژ لاوو (Georges Lavau) اشاره می‌کند و

گزیده‌ای از این نظریه‌ها را مطرح می‌سازد. براساس نظر آلموند و همکارانش که در کتاب «چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی» آمده است، احزاب اغلب بر جامعه‌پذیری سیاسی تأثیر می‌گذارند و با سازمان دادن اندیشه‌ورزی درباره موضوعات سیاسی، کوشش برای جلب حمایت از ایدئولوژی خود، مواضع مشخصی که در قبال موضوعات مختلف دارند و

نامزدهایی که معرفی می‌کنند به فرهنگ سیاسی شکل می‌بخشند. احزاب با بسیج کردن رای دهندگان بر گزینش کارگزاران، سیاسی نیز تأثیر می‌گذارند. آنها منافع خاص خود را تصریح می‌کنند و درخواست‌های دیگران را منتقل می‌سازند. همچنین احزاب حاکم، در تدوین سیاست‌های عمومی و حتی نظارت بر اجرا و دآوری درباره چگونگی اجرای آن سیاست‌ها، دخالت دارند. ولی هدف مشخص و تعریف‌کننده هر حزب سیاسی که تلاش برای جلب حمایت به نفع سیاست‌ها و نامزدهای خود

کتاب ماه علوم اجتماعی

اسفند ۷۸- فروردین

۳۳

۳۳

۳۳

۳۳

۳۳

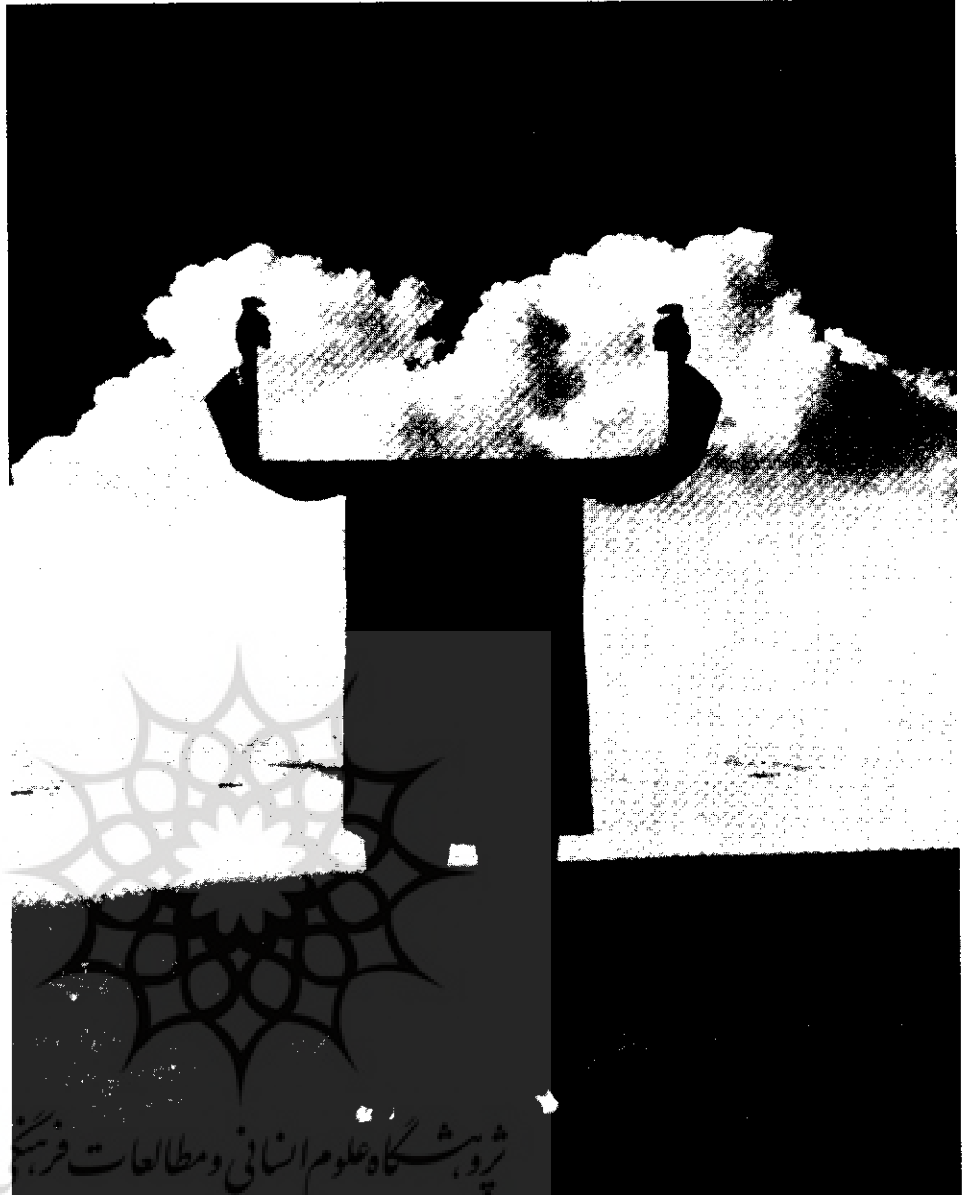
۳۳

۳۳

۳۳

۳۳

۳۳



آن حزب است، به طور مشخص به تألیف و تجميع منافع باز می‌گردد. در این کارکرد، احزاب با تنظیم، تجمع و هماهنگ نمودن تقاضاهای پراکنده، آنها را به چند موضوع کلی تبدیل کرده و به مرکز تصمیم‌گیری منتقل می‌کنند. این نقش، احزاب سیاسی را به حلقه واسطی بین جامعه و قدرت حاکم تبدیل می‌کند و کار حکومت را در تصمیم‌گیری آسان‌تر می‌سازد. مرکز نیز تقریباً همین کارویژه‌ها را برای احزاب عنوان می‌کند. (صفحه ۷۹).

مرتن نیز با طرح کارویژه‌های پنهان احزاب و با مطالعه در مورد احزاب سیاسی در آمریکا، این نکته را مطرح می‌کند که در مورد این احزاب برخی کارویژه‌ها فراموش شده‌اند. یکی اینکه کارگزار حزب باید دوست فرد فرد اعضای حزب باشد و در مسایلی مانند خرید اوراق بهادار، بهره‌برداری از اعانات دولتی و غیردولتی و نام‌نویسی فرزندان اعضاء در مدارس و سایر موارد آنها را راهنمایی کند. دوم اینکه حزب باید به نفع موسساتی که به حمایت سیاسی نیازمندند وارد عمل شود و آنها را از بن‌بست خارج سازد و به عنوان بازیگر سیاسی، نقش سفیر تجارت خصوصی در نزد حاکم بیگانه با آن یعنی حکومت را ایفا

به نظر استروگورسکی، به محض پیدایش یک سازمان حزبی، قواعدی خارج از اراده افراد بر آن حاکم می‌شود و به تدریج به موجودی مستقل تبدیل می‌شود که گویی هدف آن مانند تمام موجودات زنده، صیانت نفس خواهد بود

گاهی گروه‌محوری آن چنان بر حزب مسلط می‌شود که فرد حزبی هیچ اراده‌ای از خود نخواهد داشت زیرا هرگونه دگراندیشی به حال وحدت گروهی مضر تلقی می‌شود. در این صورت حزب، خود را مظهر شهروندی و بهروزی می‌داند و همسویی با باورهای حزب تنها قاعده رفتار سیاسی محسوب می‌شود

کند.

سرانجام اینکه افرادی که به دلیل اصالت نژادی یا تعلق به یک طبقه فروتر از امکان پیشرفت اجتماعی محروم هستند باید از طریق حزب به بدنه جامعه متصل شده و در فرآیند تحولات اجتماعی مشارکت کنند و از همین راه در مسیر پیشرفت‌های فردی نیز قرار گیرند. مرتن ادعا می‌کند این نقش‌ها و کارویژه‌هاست که باعث ماندگاری احزاب آمریکا می‌شود. نه کارویژه‌های آشکار از قبیل برگزاری انتخابات و فعالیت‌های سیاسی (ص ۸۱-۸۰).

فصل چهارم کتاب به انواع نظام‌های حزبی اختصاص یافته است. در این فصل نیز مؤلف با بیان نمای سه گانه نظام‌های حزبی که مورس دوروزه تحت عنوان نظام‌های تک حزبی، دو حزبی و چند حزبی مطرح کرده است، تقسیم‌بندی لاپالمبارا و واینر را مبنی بر تفکیک نظام‌های حزبی به نظام‌های رقابتی و غیررقابتی مناسب‌تر با موضوع می‌داند. مؤلف در بحث از نظام‌های رقابتی آنها را به دو گروه نظام‌های دو حزبی و نظام‌های چند حزبی تقسیم می‌کند. سپس با تشریح نظام‌های غیررقابتی سه موضوع رژیم سیاسی در نظام‌های تک‌حزبی، ساختار «احزاب واحد» و عملکرد و کارویژه این احزاب مورد بررسی قرار می‌دهد.

اگر مؤلف در فصل‌های اول تا چهارم، مباحث نظری و جامعه‌شناختی را به صورت عام و بنیادی موردتوجه قرار می‌دهد، در سه فصل باقی مانده، با بیان مصادیق و نمونه‌های عینی به معرفی، بررسی و ارزیابی احزاب، روندها و موانع فعالیت حزبی در اروپا و جوامع پیشرفته صنعتی، همچنین جهان سوم و ایران می‌پردازد. وی با بیان نمونه‌های عینی و تاریخی، از جوامع مختلف تلاش می‌کند تا آنچه را که در چهار فصل اول کتاب مطرح کرده، مستند سازد.

در فصل پنجم با عنوان خانواده بزرگ حزبی در اروپا، مؤلف بر اساس مطالعه و تجربه عینی و علمی که از سال‌های حضور و تحصیل در اروپا و تحقیق درباره سیاست و حکومت و مباحث مربوط به جامعه‌شناسی سیاسی کشورهای اروپایی بدست آورده است، احزاب عمده در اروپا را به چهار دسته تقسیم می‌کند: خانواده احزاب لیبرال، خانواده احزاب سوسیالیست، خانواده احزاب کمونیست اروپایی و یا اروتکونیست و خانواده احزاب دموکرات مسیحی.

در فصل ششم نیز مؤلف، تحولات اقتصادی و اجتماعی اروپا و ویژگی‌های سیاسی جامعه پسا صنعتی را برمی‌شمارد. این ویژگی‌ها شامل دیوانسالاری ماشینی، ایدئولوژی زدایی و بی‌تفاوتی توده‌هاست. جنبش‌های اجتماعی همانند جنبش جوانان و دانشجویان، فمینیسم، سبزه‌ها و حرکت‌های همجنس‌بازان و هیپیسیم، از جمله تحولات جوامع پسا صنعتی است که مؤلف به آنها اشاره می‌کند. بحث پایانی این فصل تاثیر تحولات پیش آمده در جوامع غربی (اروپایی) بر وضعیت احزاب است. مؤلف می‌نویسد: تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع صنعتی را می‌توان برحسب نتایج سیاسی آن به سه دوره تقسیم کرد. البته مؤلف خود به این نکته اشاره می‌کند که این سه دوره بیش از آنکه جنبه عینی داشته باشند، جنبه ذهنی و روشنفکری دارند: دوره وفور

با حفظ چهارچوب‌های گذشته، دوره بحران و تردید نسبت به اصول دموکراسی لیبرال و دوره پیدایش افق‌های جدید که به آینده تعلق دارد. در دوره اول، احزاب توده‌ای یعنی موج دوم احزاب سیاسی (پس از احزاب کادر) اعتبار خود را از دست دادند و زمانه برای نسل سومی از احزاب مهیا شد که به آنها احزاب فراگیر گفته می‌شود. (صفحه ۱۵۱)

ایدئولوژی‌زدایی از دیگر ویژگی‌های احزاب در این دوره بود. همین امر موجب شد تا گونه‌شناسی جدیدی از احزاب مطرح شود که مؤلف به گونه‌شناسی ژان شارلو مینی بر تقسیم احزاب به سه نوع احزاب برجستگان (کادر سابق)، احزاب رزمندگان (توده‌ای) و احزاب رای‌دهندگان که به نوعی همان احزاب فراگیر جدید بودند، اشاره می‌کند، همچنین با بیان گونه‌شناسی هوگ پورتلی (Hugues Portelli) آن را کامل‌تر از گونه‌شناسی شارلو می‌داند. گونه‌شناسی پورتلی که در کتاب رژیم‌های سیاسی اروپا آمده است، احزاب را به چند دسته تقسیم می‌کند: الف) احزاب نهادی و احزاب ضدنظام ب) احزاب سازمانی (مثل حزب سوسیالیست) و احزاب نهضتی (مثل احزاب گلیست ج) احزاب مبارزاتی و احزاب انتخاباتی، د) احزاب همگن و احزاب متنوع (احزابی که فقط بر یک گروه خاص تأکید می‌کند و احزابی که گروه‌های متنوعی را در بر می‌گیرند).

تحولات دهه ۶۰، ابهام‌ها و تردیدهایی در جوامع صنعتی بوجود آورد که با شروع دوباره تعارض‌های اجتماعی و اقتصادی و قطبی شدن راست و چپ همراه بود. این تردیدها به نوعی رویگردانی و امتناع از مشارکت منجر شد و تعارض‌های اجتماعی به ظهور دوباره ایدئولوژی‌ها کمک کرد. ورود دوباره ایدئولوژی‌ها به صحنه سیاست قاعدتاً می‌بایست فعالیت‌های سیاسی بیشتری را به همراه می‌آورد، اما این بار نیز حالتی شبیه تورم - رکود در اقتصاد بوجود آمد که در عین افزایش قیمت‌ها، تولید و رونق اقتصادی وجود ندارد. (ص ۱۵۴)

مؤلف در اشاره به وضعیت احزاب در دوره سوم می‌نویسد: آنچه دیدیم در واقع بازار آشفته‌ای بود که در آن هیچ یک از پیش‌بینی‌ها درست از آب درنیامد. تشکل‌های سابق به حیات خود ادامه دادند و تشکل‌های نوع جدیدی نیز بر آن افزوده شد. تردیدهایی بوجود آمد اما منجر به گسست در نظام سیاسی غرب نشد. به نظر عده‌ای بحران پیش آمده، مقدمه یک بحران اساسی است که همه نظام‌های غربی را دربرخواهد گرفت. اما به نظر عده‌ای دیگر، تاریخ غرب مشحون از این بحران‌های گذراست که به تدریج راه حلی برای آنها پیدا خواهد شد. (ص ۱۵۸)

فصل پایانی کتاب، به موضوع احزاب در جهان سوم و ایران اختصاص داده شده است. ویژگی‌های همگانی زندگی سیاسی در جهان سوم که همان موانع شکل‌گیری و رشد احزاب در این کشورهاست موضوع بحث اول این فصل است. در این خصوص مؤلف به ویژگی‌هایی چون ساختار قبیله‌ای و اجتماعاتی، جامعه توده‌وار، ضعف نخبگان سیاسی، شخصی شدن قدرت و همچنین ضعف فرهنگ سیاسی در جوامع جهان سوم می‌پردازد.

بحث دوم و سوم به تجربه احزاب در جهان سوم و

ایران اختصاص یافته است. در بحث تجربه حزب در جهان سوم، مؤلف با ذکر مثال‌هایی از تجربه چند حزبی و تک حزبی در کشورهای جهان سوم، نشان می‌دهد که چگونه تجربه چند حزبی در این کشورها به شکست و پراکندگی منجر می‌شود. زیرا بستر و شرایط لازم برای پیدایش نظام حزبی در این کشورها فراهم نیست. عملکرد مثبت نظام چندحزبی، مستلزم فراهم آمدن زمینه‌های مساعد تحزب یعنی همگونی ملی، رسیدن به سطح مطلوب و هماهنگ اقتصادی و توسعه فرهنگ سیاسی است وگرنه جامعه صحنه آشوب و درگیری‌های حزبی می‌شود که در واقع با درگیری‌های قومی و قبیله‌ای سابق فرق چندانی ندارد. در بحث تجربه حزب در ایران مؤلف به سه دوره کوتاهی که در آن بستر مناسبی برای رشد احزاب فراهم آمد اشاره می‌کند: دوره مشروطیت، دهه ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و دوره انقلاب اسلامی و در این دوره‌ها وضعیت احزاب سیاسی در ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. انواع احزاب و عوامل بازدارنده تحزب در ایران موضوع بخش پایانی کتاب است، که در مورد عوامل بازدارنده مؤلف به عوامل فرهنگی، عوامل اجتماعی - اقتصادی اشاره می‌کند. نکاتی درباره کتاب:

۱- این اثر تنها کتاب تالیفی پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که به مبحث نظری مربوط به احزاب سیاسی می‌پردازد^۱ و این با وجود دیدگاهها و نظریاتی که در مورد احزاب در ایران مطرح می‌شود و با وجود شکل‌گیری و فعالیت احزاب در جمهوری اسلامی ایران، بسیار قابل توجه است. پیش از انقلاب اسلامی نیز تا آنجا که نگارنده به یاد دارد و تنها دو کتاب در مورد احزاب سیاسی منتشر شده است که در آنها به کلیات موضوع بسنده شده بود.^۲ البته در مورد احزاب سیاسی در ایران چند کتاب تالیفی منتشر شده که قدیمی‌ترین آنها، تاریخ مختصر احزاب سیاسی در ایران تألیف «ملک الشعراء بهار»^۳ بوده است و در چند سال اخیر چند کتاب درمورد جناح‌بندی‌ها و احزاب سیاسی کنونی ایران تألیف و منتشر شده است.^۴ بر این اساس باید گفت کتاب حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز می‌تواند منبع خوبی برای مطالعه در مورد احزاب سیاسی (ماهیت، ساختار، کارکرد آن) باشد.

۲- باتوجه به مطالب کتاب، باید گفت کتاب از ساختار و محتوای مطلوبی برخوردار است که در آن دیدگاه‌های مختلف نیز مورد توجه بوده است. این کتاب، آسیب‌شناسی احزاب سیاسی (اعم از چالش‌های درونی و آسیب‌های بیرونی) را به گونه‌ای مستدل و مستند بررسی کرده و ذکر مثال‌های مناسب و استفاده از روش پژوهش تحلیلی - تاریخی بر اعتبار آن افزوده است.

۳- دقت علمی مؤلف، تسلط او به زبان‌های فرانسه و انگلیسی استفاده و استناد به منابع مختلف، آگاهی او از سیر تحولات اجتماعی و سیاسی کشورهای اروپایی و نیز کشورهای جهان سوم از جمله ایران و پیشینه تدریس در دانشگاه‌های مختلف، منجر به آن شده که کتاب حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز کتابی خواندنی و قابل استفاده برای علاقمندان به مسایل سیاسی، دانشجویان رشته‌های علوم سیاسی و علوم اجتماعی و جامعه‌شناسان کشور باشد.

۴- طرح مسایل و موضوعات مختلف در مورد احزاب

در کشورهای مختلف (غرب، جهان سوم و ایران) در حجم محدود یک کتاب امکان‌پذیر نیست. بنابراین اگرچه ذکر برخی مثال‌ها، به ویژه در فصل‌های اول تا چهارم لازم بوده و بر محتوا و اعتبار کتاب افزوده است. اما مرور گذرایی که در فصل‌های بعدی در خصوص احزاب کشورهای جهان سوم و ایران صورت گرفته، خواننده را قانع نمی‌سازد. ضمن اینکه بحث‌های مربوط به ایران نیز با وجود برخی کتاب‌ها که به گونه‌ای اختصاصی به این موضوع پرداخته‌اند، چندان مهم و خواندنی به نظر نمی‌رسد.

پانویس‌ها:

- ۱- محمود عبیدیان، پشتوانه فکری و فلسفی حزب سیاسی در غرب، روزنامه ایران، ۹ آبان ۱۳۷۸، صفحه ۱۰.
- ۲- دو تعریف از گتل و جیل کریست از منبع زیر نقل شده‌اند. عبدالرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، ۱۳۷۳، صفحه‌های ۳۴۴ و ۳۴۳.
- ۳- عبدالحمید ابوالحمد، مبانی سیاست، تهران: توس، چاپ چهارم، ۱۳۶۸، صفحه‌های ۴۰۶-۴۰۵.
- ۴- برای آشنایی بیشتر با دیدگاه‌های استروگورسکی و دوروزه در مورد احزاب سیاسی نگاه کنید به:
- موریس دوروزه، احزاب سیاسی، ترجمه رضا علومی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- ۵- برای آگاهی بیشتر در مورد امکان یا امتناع شکل‌گیری و فعالیت احزاب در جمهوری اسلامی بنگرید به: علی عنایتی شبکلائی، احزاب سیاسی در نظام ولایت فقیه، اندیشه حوزه، سال چهارم، شماره اول، تابستان ۷۷، صص ۱۴-۳۱.
- ۶- این کتاب با مشخصات زیر به فارسی ترجمه شده است:
گابریل اموند و دیگران، چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۶.
- ۷- کتاب‌هایی که در مورد احزاب سیاسی در ایران ترجمه و انتشار یافته‌اند:
- موریس دوروزه، احزاب سیاسی، ترجمه علوی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- ربرت میخلز، جامعه‌شناسی احزاب، ترجمه احمد نقیب‌زاده تهران: قومس، چاپ سوم، ۱۳۵۷.
- ۸- این دو کتاب عبارتند از:
حسن محمدی‌نژاد، احزاب سیاسی، تهران: امیرکبیر، ۲۵۳۵
ولی الله یوسفیه، احزاب سیاسی، تهران: انتشارات عطایی، ۱۳۵۱.
- ۹- ملک الشعراء بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی در ایران، ۲ جلد، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۷۱.
- ۱۰- نگاه کنید به منابع زیر:
حجت مرتجی، جناح‌های سیاسی در ایران امروز، تهران: انتشارات نقش و نگار، چاپ سوم، ۱۳۷۸.
- سعید برزین، جناح‌های سیاسی در ایران از دهه ۶۰ تا دوم خرداد ۷۶، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷
- حمیدرضا ظریفی‌نیا، کالبدشکافی جناح‌های سیاسی در ایران از ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۸، تهران: انتشارات آزادی اندیشه، ۱۳۷۸.
- اداره کل سیاسی وزارت کشور، شناسنامه تشکل‌ها و احزاب سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات کمیل، ۱۳۷۷.